

سخن سردبیر

فقر اخلاق و تباهی علم!!!

ز تندباد حوادث نمی‌توان دیدن
در این چمن که گلی بوده است یا سمنی
ببین در آینه جام نقش بندی غیب
که کس به یاد ندارد چنین عجب زمینی
از این سموم که بر طرف بوستان بگذشت
عجب که بوی گلی هست و رنگ نسترنی
مزاج دهر تبه شد در این بلا حافظ
کجاست فکر حکیمی و رای برهمنی
(حافظ)

فقر اخلاق در علم‌جویی زمینه اصلی برای تباهی علم است؛ زیرا از سویی ناوارسته‌گان را بر صدر می‌نشانند و از سویی وارسته‌گان را در محرومیت نگاه می‌دارد. صدرنشینی بدون احراز صلاحیت، هم‌انگیزه را برای علم‌جویی از علم‌جویان صادق می‌ستاند و هم‌انگیزه را در ظاهر سازان و غارت‌گران عرصه علم برای برخورداران آسان از منافع آن افزون می‌نماید. این دو فرایند، که در جهت معکوس در حرکتند، بستر لازم برای «تباهی» علم‌اند؛ زیرا از سویی خادمان را از خدمت منع می‌کنند و از سوی دیگر راهزنان را به دستبرد تشویق می‌نمایند. پس، نه تنها همتی برای تولید علم مصروف نمی‌شود، که اندک متاع تولید شده هم به یغما می‌رود!

اما؛ فقر اخلاق در علم‌جویی به چه معناست؟

علم‌جویی در اینجا به فرایند عام تولید علم اطلاق شده است که از شناسایی پرسش، آغاز؛ با انجام پژوهش، استمرار و با انتشار دانش، خاتمه می‌یابد. بر این فرایند عمل، رسمی حاکم می‌شود؛ که می‌تواند خوب یا بد؛ مطلوب یا نامطلوب و درست یا نادرست قلمداد شود. اخلاق برای نشان دادن وجه مقبول در فرایند عمل، به‌کارگرفته شده است. اخلاق به‌عنوان «رسم مطلوب عمل» دربردارنده مجموعه‌ای از ارزش‌هاست. ارزش‌ها، شرحی از کیفیت عمل هستند که در «باید» و «نباید» ظهور می‌یابند. گرچه ممکن است ارزش‌ها در فرایند حیات اجتماعات و در میان اجتماعات بشری گوناگون، دارای ظهور متنوعی باشند و از این جهت فاقد استحکام قلمداد شوند، اما آنچه را غایب یک اجتماع در حیات خود می‌پذیرد - دست‌کم برای همان اجتماع - ارزش محسوب می‌شود. براین‌اساس، آنچه «جامعه علمی» برای عمل عالمان پذیرفته و بر آن تأکید می‌کند، «ارزش‌های جامعه علمی» نام می‌گیرد؛ ارزش‌هایی که بنیاد لازم برای ارزشیابی اعضای آن جامعه محسوب می‌شوند. این ارزش‌ها با مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهای عملی تبلور می‌یابند که شرح آنها از سویی به متقاضیان ورود به این جوامع کمک می‌کند تا خود را با آن میزان نمایند و از سویی فرصت بازاندیشی را برای متفکران ایجاد می‌کند تا به نقادی و بهبود آن‌ها اقدام نمایند.

مدتی است که در حوزه مطالعات برنامه درسی نیز با برخی از موارد عمل «غیراخلاقی» مواجه بوده‌ایم و این موضوع در مواردی دامن فصلنامه مطالعات برنامه درسی را نیز آلوده کرده است. موضوع در جلسات متعدد هیأت تحریریه مطرح و درباره آن بحث و تبادل نظر شد. آنچه در اینجا برای اطلاع عموم و البته بنا نهادن چارچوب اخلاقی فصلنامه مطرح می‌شود، حاصل آن مباحث و البته جستجو و کسب نظر از متخصصان^۱ خارج از هیأت تحریریه است.

۱. در این زمینه بیش از همه، آقای دکتر یزدان منصوریان، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم، همت کردند و به طرح موارد اقدام نمودند. گرچه متن توسط اینجانب بازسازی شده، اما محور اصلی را نظرات ایشان ساخته است. لازم می‌دانم از ایشان تشکر کرده درخواست نمایم که در این طریق همچنان یاری‌رسان فصلنامه باشند.

این موارد تحت نام «فریبکاری در پژوهش و نگارش^۲» در اینجا مطرح و به طرح مصادیقی از آنها اقدام می‌شود؛ مصادیقی که فعلاً در فعالیت‌های علمی متخصصان حوزه برنامه درسی نیز می‌توان شواهدی از وجود آنها را یافت! هرچند که این‌ها همه از نوع فعل «غیراخلاقی» اند و آرزوی ما این است که همه عرصه‌های علم‌جویی در ایران و جهان از آن مصون باشند.

۱. سرقت علمی: برداشت تمام یا بخش‌هایی از آثار دیگران و ارائه آن به عنوان اثری جدید به نام خود. در سرقت علمی، «پنهان‌کاری در استناد» هم اتفاق می‌افتد. سرقت علمی دارای اشکال متعددی است؛ که برخی از آن بدین شرح‌اند:
 - گردآوری (در کنار هم نهادن) به عنوان تالیف: گردآوری و در کنار هم چیدن گزیده‌ای از آثار دیگران و ارائه مجموعه آن به عنوان اثر تألیفی خود.
 - بازچینی (تغییر ساختار) به عنوان تالیف: وقتی رخ می‌دهد که اثر دارای هویت مشخص، بازسازماندهی می‌شود و با حفظ محتوا، ساختار متفاوتی پیدا می‌کند و به نام اثر تألیفی خود عرضه می‌شود.
 - ترجمه به عنوان تألیف: ترجمه آثار موجود و ارائه مطالب ترجمه شده به عنوان اثری تألیفی از مترجم.
 - بازنویسی (دستکاری) آثار: بازنویسی آثار موجود همراه با تغییراتی جزئی با هدف معرفی آن به عنوان اثری جدید. در اینجا، به ظاهر، تغییر در محتوا انجام می‌شود اما تغییری سطحی و ظاهری. نوعی تغییر صوری از طریق جابجایی کلمات و جملات صورت می‌گیرد تا متن "عیناً" تکرار نشود!
 - پنهان‌کاری در استناد: استفاده از آثار و اندیشه‌های دیگران بدون استناد به منابع مورد استفاده.

- دستبرد در داده‌ها: استفاده غیرمجاز از داده‌های سایر پژوهشگران با انجام تحلیل‌هایی در آن داده‌ها و یا بکارگیری آنها برای مقاصدی که پژوهشگر اصلی رضایت به آن ندارد.

- حذف نویسنده همکار: حذف نام نویسندگان همکار که نقش مؤثری در اجرای پژوهش و تدوین گزارش آن داشته است.

- افشای اسرار: افشاء اسامی و اسرار جامعه مورد مطالعه و زیرپا گذاشتن اصل محرمانگی در تحقیق برای کسب اعتبار خود.

۲. تحریف علمی: اقدام به عوض کردن و متفاوت جلوه دادن واقعیت یا موضوعی برای کسب منفعت؛ به عمد یا از روی سهو. برخی نمونه‌های آن عبارتند از:

- استنادهای ناقص: ارائه اطلاعات ناکافی از آثار مورد استفاده به نحوی که بازیابی آن‌ها برای خوانندگان میسر نباشد؛ حتی در مواردی که دسترسی مؤلف هم با مشکل مواجه است.

- تغییر در استناد: تغییر عمدی در مشخصات کتابشناختی آثار استناد شده با هدف گمراه کردن خوانندگان.

- استنادهای کاذب: استناد به آثاری که وجود خارجی ندارند یا استناد به آثاری که به آن‌ها مراجعه نشده است.

- استناد ثانویه (استناد با واسطه): تکرار استنادهایی که در آثار موجود منعکس شده بدون مراجعه به سند اصلی.

- افراط در خوداستنادی: استناد مکرر به آثار خود با هدف نادیده گرفتن آثار دیگران و تکرار مطالب منتشر شده قبلی.

- سوگیری در استناد: افراط هدفمند در استناد به آثاری مشخص و نادیده گرفتن عمدی آثار مرتبط دیگر.

۳. فریب علمی: اقدام به ایجاد شرایطی که منجر به کسب منافع می‌شود که یا فرد مستحق آن نیست و یا در کسب آنها عدالت رعایت نشده است. برخی موارد فریب عبارتند از:

- ارسال یک اثر به چند نشریه: ارسال یک اثر واحد با عنوان‌های یکسان یا متفاوت به چند نشریه و تقاضای انتشار.

- بازنشر آثار: تلاش برای انتشار مجدد اثری که قبلاً منتشر شده است؛ با عنوانی یکسان یا متفاوت.

- تقلب در داده‌ها: داده‌سازی (استفاده از داده‌های غیرواقعی) در تحقیق یا اعمال تغییرات هدفمند در داده‌های واقعی.

- تفسیرهای مغرضانه: سوگیری در تحلیل داده‌ها یا نادیده گرفتن بخشی از داده‌ها برای اثبات یا رد فرضیه‌ای مشخص.

- کتمان حقایق: ارائه گزارش‌های خلاف واقع با هدف گمراه کردن خوانندگان و رسیدن به اهدافی مشخص.

- نویسنده افتخاری: معرفی فردی به عنوان نویسنده همکار در حالی که نقشی در تولید پژوهش مذکور نداشته است.

- نویسنده شبیح: به خدمت گرفتن فرد یا افرادی برای تولید آثاری و ارائه آن به نام خود برای بهرمندی از امتیازهای آن.

- خطا در نقل قول: بی‌دقتی در نقل قول از آثار دیگران و انتساب اطلاعات غلط به آثار مورد استناد.

- افراط در نقل قول مستقیم: استفاده مفرط از آثار دیگران به نحوی که استقلال اثر تولید شده را از بین ببرد.

نعمت‌الله موسی‌پور

سر دبیر فصلنامه مطالعات برنامه درسی